



رئیس جمهوری در جمع هنرمندان:

فضای امنیتی

می تواند جوانه هنر را بخشکاند

ایرنا: حسن روحانی شب گذشته در دیدار جمعی از هنرمندان در تالار وحدت تهران گفت: «هر گونه فضای امنیتی می تواند جوانه هنر را بخشکاند به تعبیر اقبال: گفت هرگاه خشک مغزی کوتهنظر زمام امور را در دست گرفت هنر مجال بروز نیافت.»

صفحه ۱۶

پنجشنبه ۱۹ دی ۱۳۹۲ ۷ ربیع الاول ۱۴۳۵ ۹ ژانویه ۲۰۱۴



آیت الله لاریجانی درباره پیگیری مفاسد مالی:

منتهم

چندماه زیر نظر بود

ایسنا: رئیس قوه قضاییه از نهادهای متولی هدایت جریان اقتصادی کشور خواست، به گونه ای عمل کنند که بسترهای فساد اقتصادی برای سودجویان و سوءاستفاده کنندگان فراهم نشود. آیت الله صادق آملی لاریجانی در جلسه روز گذشته مسوولان عالی قضایی گفت: «دستگاه قضا...»

صفحه ۲



سال یازدهم شماره ۱۹۲۴ ۱۶ صفحه ۱۰۰۰ تومان

سرمقاله

جای خالی ۲ معاونت در «پاستور»

تقی آرادرمکی . جامعه شناس



در چند روزی که گذشت وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری در مورد یکی از بنیادی ترین موضوعات و مسایل و مشکلات حوزه علم و تخصص در کشور تحت عنوان «فرار مغزها» سخن گفتند. آماری که ایشان بیان کردند عمق چالشی را که در طول چند دهه گذشته در ایران جاری است، نشان می دهد. هزینهای که برای تربیت یک متخصص در کشور صرف می شود و بی حساب و بی کتاب تربیت شدگان از کشور به خارج رانده می شوند دوبعد چالشی اساسی و اجتماعی است که ابعاد اقتصادی و فنی و سیاسی در کل کشور دارد؛ چالشی انسانی که تاکنون دستاویز برخی سیاست بازان قرار گرفته بود.

ادامه در صفحه ۱۴

گزینه گریز ناپذیر تهران – لندن

مجید تفرشی

تاریخ نگار و تحلیلگر روابط ایران و بریتانیا



در اهمیت سفر هیات پارلمانی بریتانیا به تهران، اختلاف نظری میان دوستان و منتقدان دولت حسن روحانی وجود ندارد. در شرایطی که ایران دست کم هشت سال گرفتار محدودیتهای مختلف جهانی بوده، این قبیل سفرها و دیدارها، قاعدتا باید برای دو طرف گفت و گو معتنم و مهم تلقی شود. با این همه، سفر یک هیات پارلمانی از بریتانیا به ایران، پس از یک دوره طولانی اختلاف عمیق، درگیری دیپلماتیک، سوءظن دوجانبه و قطع رابطه نسبتا کابل، امری مهم و تاثیرگذار است.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

فر دا؛ تعطیلی کدام سینما؟

محمد قاصد اشرفی
رئیس انجمن سینما داران کشور



چراغ سالن های سینما با یازگنری و انتخاب روش های بهره رزو و موثر روشن خواهد ماند. این روزها بارها و بارها در نشریات و رسانه ها درباره تعطیلی سینما «قدس» واقع در میدان ولیعصر (عج) که قدمتی ۵۰ ساله دارد، هشدار داده ام؛ اما هنوز خبری از حل این معضل نیست. اگر به همین منوال پیش برود، نه تنها سینما «قدس» بلکه بیشتر سالن های سینما خاموش خواهند شد و حتی سر تیج تر بگویم که متأسفانه همه سینماهای کشور در معرض خطر تعطیلی قرار دارند. علت آن هم خیلی واضح است. متأسفانه توجه جدی به وضعیت و ساماندهی سینماها نمی شود و سینماها به لحاظ تجهیزات و امکانات، موقعیت اسفناکی دارند؛ موقعیتی که با تکنولوژی امروزی همخوانی ندارد. واقعیت این امر است که هیچ کدام از نهادهای و دستگاه های ذی ربط به وضعیت سالن های کشور توجهی نمی کنند. در حالی که هر چند هم سینمای ایران فیلم های خوبی تولید کند، ولی سالن های سینمایی مناسبی برای نمایش آن فیلم ها وجود نداشته باشد، مردم چگونه آن فیلم ها را ببینند و درباره آن قضاوت کنند؟ البته از سوی دیگر با معضل نبود فیلم خوب مواجهیم. هم فیلم های سینمایی روز بروز بی کیفیت تر و نازل تر می شوند و هم مردم از سینماها رویگردان شده اند و حاضر نیستند وقت و هزینه صرف کنند تا این فیلم ها را ببینند.

ادامه در صفحه ۵

«شوکنهوف» با «شرق» به گفت و گو نشست

«صدای مرکل»

با «چراغ خاموش» در تهران

صفحه ۶



«آندریاس شوکنهوف» نایب رئیس فراکسیون احزاب «دموکرات مسیحی» و «سوسیال مسیحی» در پارلمان آلمان. عکس: شرق

یادداشت . اندیشه

امیر کبیر از پندار تا واقعیت

ص (۱۶۱) و افزوده است: «همین که امیر زمام قشون را یکسره در اختیار گرفت، شاه جوان دیگر چاره ای جز پذیرش درخواست او برای کسب قدرت کامل نداشت.» ص (۱۶۲) البته امانت انکار هم نمی کند که «وضع بحرانی مملکت نیز تفویض این اختیارات اضطراری را تا اندازه زیادی جایی می ساخت.» ص (۱۶۳) اما نویسنده قیله عالم خیلی زود فراموش کرده است که اندکی پیش تر چنین مدعی شده است که امیر کبیر، نظام جدیدی را که از آذربایجان آورده بود بیشتر حربه قدرت خودش قرار داد تا جلوس ناصرالدین شاه، زیرا شاه در این مرحله دیگر رقیب و معاندی نداشت. اما اگر تحلیل امانت درست باشد و به راستی با ورود ناصرالدین میرزا به تهران و تصاحب تاج و تخت شاهی، «دیگر شاه رقیب و معاندی نداشت.» پس کدام «وضع بحرانی مملکت» تفویض این اختیارات اضطراری را به امیر کبیر جایز می ساخت؟ اتفاقا در تمام طول دوره سه ساله صدارت امیر کبیر و حتی سال های پس از او نیز، ناصرالدین شاه به شدت از خطر بالقوه کسانی چون برادر ناتنی خود عباس میرزا سوم و به ویژه شاهزاده بهمن میرزا که از حمایت فراوان دولت روسیه نیز برخوردار بود، نگران و بیمناک بود. به نظر می رسد ادعای امانت درباره «اشتهای امیر کبیر برای قبضه کردن قشون و دستگاه دولت و در عین حال نظارت تقریبا درست بر شخص شاه» ص (۳۰۲) و «سلطه رخنه ناپذیر امیر کبیر بر شاه» ص (۳۰۳) و به کارگیری آن به سود اثبات ادعای انحصارطلبی امیر کبیر و تلاش او برای کسب قدرت مطلقه شخصی، از چند ایراد اساسی برخوردار است: درست است که امیر کبیر برای اقدامات و اصلاحات خود «در این مرحله دیگر شاه رقیب و معاندی نداشت.»

هر چه بیشتر در امور که لازمه یک شاه مقتدر است برخوردار باشد. در یکی از همین مکاتبات امیر کبیر خطاب به ناصرالدین شاه به صراحت نوشته است: «به این طرفه ها و امروز و فردا کردن و از کارگریختن در ایران به این هرزگی، حکمانمی توان سلطنت کرد. گیرم من ناخوش یا مردم، فدای خاک پای همایون، شما باید سلطنت بکنید یا نه؟ هر روز از حال این شهر چرا خبردار نمی شوید که چه واقع می شود؟ از در خانه و مردم و اوضاع ولایت چه خبر می شود؟ و چه حکم می فرمایید؟ بنده ناخوشم و گیرم هیچ وقت خوب نشدم، شما نباید دست از کار خود بردارید یا دایم محتاج به وجود یک پندهای باشید.» (حسن مکی، امیر کبیر، ص ۲۳۱) محمدعلی (همایون) کاتوزیان نیز همچون عباس امانت، امیر کبیر را جاهطلب و مستبد تلقی کرده و معتقد است که امیر کبیر «در پیشینه اجتماعی، مقام نظامی، جاذبه های شخصی و روش ها و آرمان های شیمدرنیستی، به گونه ای شگفت انگیز به رضاخان پهلوی می ماند» (کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ص ۹۵). در نقد این دیدگاه می توان با صادق زیباکلام همراه بود که «پارهای شباهت ها حداقل بر اساس اسناد مکاتبات خصوصی موجود که به وسیله امیر کبیر هم توانست بود همچون رضاخان قدرت مطلق را از آن خود کند، مثل او به قلع و قمع مخالفتش و ساکت کردن هر صدای مخالف و ناراضی می پرداخت، بسیار جای بحث وجود دارد.

ادامه در صفحه ۵

ص (۱۶۱) و افزوده است: «همین که امیر زمام قشون را یکسره در اختیار گرفت، شاه جوان دیگر چاره ای جز پذیرش درخواست او برای کسب قدرت کامل نداشت.» ص (۱۶۲) البته امانت انکار هم نمی کند که «وضع بحرانی مملکت نیز تفویض این اختیارات اضطراری را تا اندازه زیادی جایی می ساخت.» ص (۱۶۳) اما نویسنده قیله عالم خیلی زود فراموش کرده است که اندکی پیش تر چنین مدعی شده است که امیر کبیر، نظام جدیدی را که از آذربایجان آورده بود بیشتر حربه قدرت خودش قرار داد تا جلوس ناصرالدین شاه، زیرا شاه در این مرحله دیگر رقیب و معاندی نداشت. اما اگر تحلیل امانت درست باشد و به راستی با ورود ناصرالدین میرزا به تهران و تصاحب تاج و تخت شاهی، «دیگر شاه رقیب و معاندی نداشت.» پس کدام «وضع بحرانی مملکت» تفویض این اختیارات اضطراری را به امیر کبیر جایز می ساخت؟ اتفاقا در تمام طول دوره سه ساله صدارت امیر کبیر و حتی سال های پس از او نیز، ناصرالدین شاه به شدت از خطر بالقوه کسانی چون برادر ناتنی خود عباس میرزا سوم و به ویژه شاهزاده بهمن میرزا که از حمایت فراوان دولت روسیه نیز برخوردار بود، نگران و بیمناک بود. به نظر می رسد ادعای امانت درباره «اشتهای امیر کبیر برای قبضه کردن قشون و دستگاه دولت و در عین حال نظارت تقریبا درست بر شخص شاه» ص (۳۰۲) و «سلطه رخنه ناپذیر امیر کبیر بر شاه» ص (۳۰۳) و به کارگیری آن به سود اثبات ادعای انحصارطلبی امیر کبیر و تلاش او برای کسب قدرت مطلقه شخصی، از چند ایراد اساسی برخوردار است: درست است که امیر کبیر برای اقدامات و اصلاحات خود «در این مرحله دیگر شاه رقیب و معاندی نداشت.»



لطف الله آجدانی
مورخ و مدرس دانشگاه

هرچند کتاب «قبله عالم» نوشته عباس امانت (ترجمه حسن کامشاد، تهران: انتشارات کارنامه) آن گونه که نویسنده آن در دیباچه خود به ترجمه فارسی کتاب آورده است، بر آن است تا «وجهی از تحول فرهنگ سیاسی ایران و ناکامی های ناشی از درگیری با معضل تجدد را در سرگذشت شخصیت فرغنجی چون ناصرالدین شاه نشان دهد»، اما بخش قابل ملاحظه ای از آن، دربردارنده تلاشی نویسنده کتاب برای بررسی و نقد شخصیت و عملکرد میرزا تقی خان امیر کبیر است. از دیدگاه نویسنده قیله عالم، هر چند امیر کبیر در اقدامات و اصلاحات خود از خیرخواهی و صداقت برخوردار بود، اما در همان حال امیر کبیری بود قدرت طلب، جاه طلب، انحصارطلب، اهل دسیسه، مستبد و متکی به انگلیس به نوشته امانت: امیر کبیر از همان آغاز و قبل از پادشاهی ناصرالدین شاه، در سوحای کسب قدرت شخصی بود و از نفوذ فراوان خود بر ناصرالدین میرزا ولیعهد و سپس ناصرالدین شاه، در راه کسب قدرت شخصی خود بهره گرفت. «امیر نظام نه تنها مواضع به تخت نشستن پادشاه ولی نعمتش را از میان برداشت، بلکه راه صدارت خود را سر فکه جلو چشمان دوربین جان مرتضی اونی را گرفته بود و همین دپروز انفجار در شهر ک سینمایی دفاع مقدس جان پنج نفر از اهالی سینما را گرفت و دونفر را روانه بیمارستان کرد. حادثه هایی که باز تلنگری است بر حوزه فرهنگ و هنر و مسوولان.



چند می گیری با جانت بازی کنی؟

فرزانه ابراهیم زاده . روزنامه نگار

جواد شریفی وقتی صبح دیروز ۱۸-دی ۱۳۹۲- برای آماده کردن سکانس بعدی فیلم «معراجی ها» بهمراه همکارانش در شهرک سینمایی دفاع مقدس پا می گذاشت، گمان نمی کرد این آخرین صحنه ای است که قرار است آماده کند؛ آخرین صحنه ای که انفجار، جان او و همکارانش را در خود کشید. آن هم نه به خاطر اشتباهات فردی که به دلیل تلخ نبودن مواد انفجاری مشقی. تحریم هایی که این روزها بیش از پیش جان مردم را نشانه می گیرد به سینما هم رسیده است و آنچنان که گفته می شود مواد انفجاری مشقی وارد نمی شود و مدیران جلوه های ویژه ناگزیر از استفاده از مواد واقعی هستند. هر چند این یکی سابقه طولانی دارد. علی سجادی حسینی هم وقتی از پشت ویزور دوربین به آن اسلحه دست باز یگرش نگاه می کرد باور نداشت تیری که دارد به سمت او می آید مشقی نیست، واقعی است. تابستان سال ۱۳۷۳ را به یاد مسوولان و هنرمندان می آورم؛ سر فیلمبرداری «خط آتش» یک تیر واقعی جان کارگردان فیلم را گرفت؛ حادثه ای که نه اولین بود و نه متأسفانه آخرینشان. یک سال قبل ترش یک مین سر فکه جلو چشمان دوربین جان مرتضی اونی را گرفته بود و همین دپروز انفجار در شهر ک سینمایی دفاع مقدس جان پنج نفر از اهالی سینما را گرفت و دونفر را روانه بیمارستان کرد. حادثه هایی که باز تلنگری است بر حوزه فرهنگ و هنر و مسوولان.

ادامه در صفحه ۱۲

معرفی آژانسهای مسافرتی هتلا و مراکز گردشگری

پارسیان مهر گشت ۸۸۸۴۹۹۷۵

راه سبز ۸۸۱۰۶۸۶۸

رجوع به صفحه ۱۳

تلفن سازمان آکبی ها ۸۸۱۹۲۸۷۷

سازمان آگهی های روزنامه شرق

۸۸۱۹۰۴۶۸

۸۸۱۹۳۹۷۹

شرق روزنامه

تحويل روزنامه درب منزل یا محل کار شما بدون هزینه ارسال

۳۲-۸۸۸۱۴۲۳۰